

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Social

ادبی - اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۳۰ سپتمبر ۲۰۰۸

زکاتِ حُسن

به تو تمکین و صفای زبید
عشوه و ناز و ادا می زبید
مرکز مهر و وفایی ، صنما
کَمَکی ، جور و جفای زبید
گهی دل بردن و گه ، دل دادن
مهربانی و سخای زبید
شام گردید و همه منتظرند
حُکم افطار ، ترا می زبید
گر هلال رخ تو ، روزه شکن
به همه دین ، بقای زبید
به تو زکاتِ حُسن ، فرض شده
که مرا ، نامِ گدا می زبید
رمضان آمد و رفت ، عید رسید
عیدی بر ما ، فقرای زبید
دست من در طلبِ تحفه دراز
خیر و خیراتِ شما می زبید
شبِ عیدست و ز خون دل من
به دو دست تو ، حنای زبید
روژه هموطنان ، باد قبول
ز منت ، صرف ، دعای زبید
حال از شاعر گستاخ ، شنو
یادی از کرب و بلا می زبید
ای الاهی ! به من الهام فرست
بر ملا ، ریب و ریای زبید

جمعی بنشسته پی (فَند ریزنگ)
لقبی ، شیخ و ملا می زبید
ده لک و قرضه با سود ز بانک
جمع ، بی چون و چرا می زبید
کش و چک ابورو و هم دالر و پوند
نیم آن کرده هوامی زبید
وای بر تاجر و ، بر تاجره ها
ز ره دین ، ربامی زبید
بیوه زن ، نان ندارد به وطن
سنگ مسجد ، ز طلا می زبید
خون دل میچکد از چشم یتیم
سر و جانم ، به فدا می زبید
نه شفا خانه و نه مدرسه ای
دانش و علم ، فنا می زبید
ای برادر ، کمی انصاف نما
ترک هر گونه دغامی زبید
ز ره دین ، تجارت تاکی
به شما ، قهر خدا می زبید
علما ! حرف مرا گوش کنید
ترسی از روز جزا می زبید
زائر دل شده اعمار کنید
خانه ای در دوسرا می زبید
« نعمتا » نقد ، به امر علما
حلقه دار ، ترامی زبید